

خدا و مکاشفهی او
درس ۸: کتاب مقدس و اقتدار
دکتر آر. سی. اسپرول

چند سال پیش در کنفرانس فیلادلفیا درباره‌ی الهیات اصلاحات در فیلادلفیا تدریس می‌کردم و موضوع آن جلسه "اقتدار کتاب مقدس" بود. و بعد از جلسه‌ای که در اونجا درباره‌ی اقتدار کتاب مقدسی تدریس کردم، خیلی خوشحال شدم از دیدن دوستی که بعد از اون به سراغم اومد، دوستی که از زمان کالج که سال‌ها پیش با هم بودیم، اونو ندیده بودم.

و این دوستم بعد از کالج به مأموریت میسیونری رفت و خادم شد و غیره. و ما مرتباً به عنوان دانشجوی کالج همدیگر رو می‌دیدیم؛ هر شب نیم ساعت با هم کتاب مقدس رو مطالعه کرده و دعا می‌کردیم. و من در طول سال‌ها ارتباطم رو با او از دست دادم و خیلی هیجان زده بودم که دوباره او رو می‌دیدم.

ما برای غذا خوردن بیرون رفتیم و درباره‌ی خانواده‌ها و این جور چیزها سؤال کردیم. و بعد او کمی شرمسار شد و به من گفت "می‌خوام بدونی که از وقتی ما با هم در کالج بودیم، من دیدگاهم رو کاملاً درباره‌ی کتاب مقدس تغییر دادم." و من گفتم: "خُب، منظورت چیه، چارلی؟" او گفت: "خُب، من دیگه به الهام کتاب مقدس ایمان ندارم." او گفت: "من به دانشکده‌ی مسیحی رفتم و این رو مطالعه کردم و حالا از همه‌ی نظریه‌های انتقادی آگاهم و این دیدگاه مصون از خطا بودن یا خطاناپذیری کتاب مقدس رو مثل گذشته قبول ندارم."

و من گفتم: "خُب، چارلی، هنوز به چه چیزهایی از اون روزها اعتقاد داری؟" و او لبخند زد و گفت: "خُب، من هنوز ایمان دارم که عیسی نجات دهنده و خداوند منه." و من گفتم: "خُب، خوشحالم که این رو می‌شنوم، اما چارلی سؤالم اینه که عیسی چطوری خداوندیش رو بر تو بکار می‌بره؟" و او گفت: "منظورت چیه؟" گفتم: "خُب، خداوند کسی هست که اقتدار داره تا فرمان بده، دستور حرکت بده، از تو بخواد این کار یا اون کار رو بکنی، و حالا اگه تو نمی‌تونی به کتاب مقدس به عنوان منبع دستور حرکت متوسل بشی، پس اینها رو از کجا می‌گیری؟"

او گفت: "آه، منظورت رو فهمیدم. خُب، من معتقدم که مسیح حالا از طریق کلیسا با ما صحبت می‌کنه." و من گفتم: "فهمیدم. کدوم کلیسا؟" و او گفت: "کلیسای پرزبیتری." گفتم: "کدوم کلیسای پرزبیتری؟" اونکه در شیکاگوست؟ اونکه در فیلادلفیاست؟ اونکه در پیتزبرگه؟ اولین کلیسای پرزبیتری، دومین کلیسای پرزبیتری، سومین کلیسای پرزبیتری، کدوم یکی؟"

او گفت: "آه، نه. کلیسای محلی پرزبیتری رو نمیگم، بلکه وقتی کلیسا در مجمع عمومی با هم جمع میشه، اونجا جاییه که ما صدای مسیح رو می‌شنویم." و من گفتم: "کدوم مجمع عمومی؟" اونکه سال گذشته درباره‌ی یک موضوع خاص رأی داد و امسال اون رو برعکسش کرد؟ آیا مسیح فکرش رو عوض کرده؟"

و چارلی تونست فشار این مشکل رو احساس کنه و من گفتم: "ما یک مسیر طولانی رو طی کردیم؛ ما فقط چرخه‌ی اصلاحات رو تموم کردیم. تمام مناظره‌ی قرن ۱۶ در تجزیه‌ی و تحلیل نهایی درباره‌ی این بود که آیا اقتدار مسیح به کلیسا و تعالیم کلیسا اعطا شده یا به کلام رسولان که در کتاب مقدس می‌یابیم؟" و این مباحثه‌ای بود که من با دوستم داشتم.

حالا، در قرن ۱۶، همونطور که گفتم، مسأله‌ی *solā scriptura* سولا اسکریپتورا ایجاد شد و دیدیم که اصطلاح سولا یعنی تنها کتاب مقدس مکاشفهی خاص مقتدر و غایی خداست و اقتدار کلیسا با اقتدار کتاب مقدس برابر نیست. حالا، وقتی کلیسای کاتولیک روم به اصلاحات در اواسط قرن ۱۶ در شورای جهانی ترنت پاسخ داد، ترنت در جلسه‌ی چهارم، مستقیماً به سؤال درباره‌ی رابطه‌ی اقتدار کلیسا و اقتدار کتاب مقدس صحبت کرد. و همونطور که در جلسه‌ی قبلی گفتم، روم اعتمادش به الهام و اقتدار کتاب مقدس رو اعتراف کرد، اینکه کتاب مقدس از طریق روح القدس اومد، دیکتاتته، همونطور که گفتم، روح القدس اون رو دیکته کرد. اما علاوه بر این، روم در جلسه‌ی چهارم در ترنت، درباره‌ی این صحبت می‌کنه که خدا خودش رو از طریق کتب مقدس و سنت کلیسا آشکار می‌کنه.

حالا، ما چطوری این بیانیه رو درک کنیم که مکاشفهی خدا از طریق کتاب مقدس و سنت به ما میرسه؟ اگه کسی به من می‌گفت: "آر. سی، تو حقیقت خدا رو کجا پیدا می‌کنی؟" من می‌گفتم: "خُب، می‌تونی حقیقت خدا رو در کتاب مقدس یا اعتقادنامه وست‌مینستر پیدا کنی،" چون من معتقدم که اعتقادنامه وست‌مینستر با وفاداری تعلیم کتاب مقدس رو تکرار می‌کنه.

اما معتقد نیستم که این اعتقادنامه الهام شده یا مصون از خطاست یا خطاناپذیره، اما معتقدم که می‌تونید حقیقت خدا رو در جاهایی خارج از کتاب مقدس پیدا کنید. شما می‌تونید اون رو در کتاب‌های معتبری درباره‌ی الهیات پیدا کنید، تا جاییکه اون‌ها درست و معتبر باشند، اما اون‌ها به هیچ عنوان منبع اصلی این مکاشفهی خاص نیستند.

پس شاید چیزی که ما اینجا داریم، وقتی ترنت در جلسه‌ی چهارم گفت که حقیقت خدا شامل کتاب مقدس و سنت هست، یعنی همه‌ی چیزهایی که اون رو تشکیل داده و درباره‌ی این بیانیه‌ی

بی‌ضرر گفته شده، مانند همون چیزی هست که من درباره‌ی اعتقادنامه و اعترافات و سنت‌های پروتستان گفتم.

اما به نظرم قضیه این نیست؛ به نظرم چیزی که اینجا در کلیسای کاتولیک روم می‌بینیم، چیزی هست که نظریه‌ی منبع دوگانه از مکاشفه‌ی خاص می‌نامیم، که یعنی کلیسا دو منبع برای مکاشفه‌ی خاص داره که یکی کتاب مقدس و دیگری سنت کلیساست، که اقتدار کلیسا رو با اقتدار کتاب مقدس برابر میدونه.

حالا، یک مطالعه‌ی جالبی در زمان ما درباره‌ی این بیانیه‌ها در شورای ترنت انجام شده، چون جلسه‌ی چهارم ترنت به خاطر جنگ در این قاره ناگهان لغو شد و در نتیجه بعضی از گزارشات جابجا و قاطی شد، که واقعاً در این شورا چه اتفاقی افتاد و حالا ما از طریق تحقیق یک محقق انگلیکن به نام پالمر می‌دونیم که اولین پیش نویس جلسه‌ی چهارم شورای ترنت شامل کلمات "کتاب مقدس و سنت" نبود، بلکه دو کلمه‌ی لاتین رو در متن داشتند: "پارتم پارتم".

این یعنی اگه اینها رو به طور دقیق ترجمه کنید، می‌گن حقیقت خدا شامل بخشی از کتاب مقدس و بخشی از سنت هست. اینجا هیچ سؤالی نخواهد بود که شما دو منبع الهی مکاشفه رو دارید، یعنی یکی در کتاب مقدس و دیگری در سنت.

اما وقتی این پیش نویس اصلی به جماعت ارائه شد، دو کشیشی که اونجا نماینده بودند، مخالفت کردند؛ اسم یکی از اونها برنوزیو و دیگری ناخیاتتی بود. از من پرسید که چرا اسمشون یادمه، من فقط به طور اتفاقی اسمشون رو به یاد دارم، اما به هر حال، برنوزیو و ناخیاتتی بلند شدند و با این کلمات مخالفت کردند و گفتند این زبان، کفایت و منحصر به فرد بودن کتاب مقدس رو نابود می‌کنه. یعنی اون‌ها برای مبادی و اصول اصلاحات، یعنی تنها کتاب مقدس می‌جنگیدند.

حالا، در اینجا این گزارش درباره‌ی این مباحثه و مناظره تموم میشه. ما نمی‌دونیم بقیه‌ی جماعت در پاسخ به این دو مرد چه استدلالی داشتند، اما می‌دونیم در پیش نویس نهایی، این کلمات دیگه اونجا نبودند و به جای اون‌ها کلمه‌ی "ات" بود که فقط یعنی "و".

حالا، سؤال اینه: آیا کلیسا به این اعتراض پاسخ داد و آگاهانه نظریه‌ی منبع دوگانه رو رد کرد؟ آیا کلیسا این تغییر رو فقط به دلایل ادبی ایجاد کرد یا عمداً به عنوان چیزی که ما ابهام بررسی شده می‌نامیم، تا این سؤال رو برای تفکر بیشتر باز نگه داره؟

ما نمی‌دونیم پاسخش دقیقاً از گزارش قرن ۱۶ چی بود، اما پاسخش رو از احکام و تصمیمات بعدی کلیسا می‌دونیم که اخیراً در هیومنی‌گنریس در دهه‌ی ۴۰ توسط پاپ پاپس اعلام شد که در اونجا بدون ابهام اعلام شد که کلیسا دو منبع متمایز مکاشفهی خاص رو می‌پذیره.

پس روم می‌تونه برای آموزه‌هاشون به سنت کلیسا و کتاب مقدس متوسل بشه. این مکالمه‌ی اتحاد کلیسایی رو بسیار دشوار می‌کنه، چون شما به سراغ دیدگاه متفاوتی از یک آموزه‌ی مشخص میرید و پروتستان‌ها می‌خوان آموزه‌ی خودشون رو دقیقاً بر اساس اقتدار کتاب مقدس مقرر کنند، و روم میگه: "خُب، ما نباید فقط به کتاب مقدس بچسبیم."

ما می‌تونیم به این شورای کلیسایی یا بخشنامه‌ی پاپ نگاه کنیم و ببینیم که سنت کلیسا این آموزه‌ی خاص رو مقرر می‌کنه، "مثل لقاح مطهر مریم و عروج جسمانی مریم به آسمان. این مسائلی رو که نمی‌تونید در جایی از کتاب مقدس پیدا کنید، می‌تونید با توسلشون به سنت مقرر کنید."

و بعد وقتی در مباحثه شرکت کرده و می‌گید: "خُب، یک لحظه صبر کنید، من اهل میسوری هستم، من یک تنها کتاب مقدسی هستم و باید فقط از کتاب مقدس به من نشون بدید، نه با توسل به اقتدار کلیسا، و اون‌ها بلافاصله با این کلام پاسخ خواهند داد: "آیا درک نمی‌کنی که کتاب مقدسی که به اون مراجعه می‌کنی و به عنوان تنها اقتدار مکاشفهی خاص به اون متوسل میشی، اقتدارش رو از کلیسا می‌گیره، و بدون اقتدار کلیسا، تو اقتدار کتاب مقدسی نداری؟"

و بعد اون‌ها بلافاصله درباره‌ی این فرایند تاریخی دسته‌بندی و انتخاب کردن برای تعیین کتب رسمی بحث می‌کنند، چیزی که در جلسه‌ی قبلیمون مرور کردم. و این استدلال اینطوریه: چون با تصمیم کلیسا، کتاب‌های خاصی به طور رسمی تقدیس شدند؛ بنابراین اقتدار کتاب مقدس مطیع اقتدار کلیساست و به طور خیلی واقعی، اقتدار جاودانه‌ی خودش رو از اقتدار برتر کلیسا می‌گیره.

خُب، البته که ما این رو رد می‌کنیم، در واقع به خاطر دلایل کتاب مقدسی، الهیاتی و همچنین دلایل تاریخی. دوباره، ما به سرچشمه‌ی اقتدار بر می‌گردیم و متوجه میشیم که وقتی اصل تنها کتاب مقدس توسط اصلاح‌طلبان ذکر شد، دلیل اینکه اون‌ها اقتدار الزام آور رو به کتاب مقدس محدود می‌کردند، این بود که معتقد بودند کتاب مقدس کلام خداست و فقط خدا می‌تونه وجدان رو مقید کنه و فقط خدا اقتدار مطلق داره.

و به همین دلیل اون‌ها اقتدار رو به کتاب مقدس محدود کردند، چون گفتند در اینجا کلام خدا رو می‌یابیم. خُب، البته که کلیسای کاتولیک روم میگه که "بله، البته که ما معتقدیم فقط خدا از

اقتدار نهایی برخورداره، اما او این اقتدار رو به کلیسا واگذار کرده، چون به هر حال، مسیح کلیساش رو بر روی پطرس بنا کرد. "او گفت: "بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم". و پطرس این اقتدار رو به نسل‌های آینده منتقل کرد، پس این پطرس هنوز در مسند پطرس مقدس در تجسم پاپ که جانشین مسیح در زمین هست، حکمرانی می‌کنه."

پس کلیسا ادامه‌ی تجسمه، و چیزی که جانشینی رسالتی نامیده میشه، یعنی اقتدار رسالتی، بعد از قرن یکم، بعد از پطرس و پولس ادامه پیدا کرده و در هر نسلی در کلیسا و به طور خاص در پاپ قرار گرفته.

حالا، البته این قابل بحثه که آیا کتاب مقدس به وضوح این جانشینی رسالتی رو تأیید می‌کنه یا نه، و قطعاً این مربوط به مباحثه‌ی رسیدگی شده در اعتراف قیصریه‌ی فیلیپس، درباره‌ی این موضوع که دقیقاً منظور عیسی، وقتی گفت "بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم"، نیست. اما چیزیکه می‌دونیم اینه که یک فرایند نمایندگی وجود داشت که مسیح برجسته‌ترین رسول برگزیده هست، همونطور که قبلاً گفتیم؛ او گفت: "من از خود نگفتم، لکن پدری که مرا فرستاد، به من فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم." پس مسیح ادعا کرد که فقط با اقتدار خدا صحبت کرد.

و وقتی کلیسا مسیح رو به عنوان خداوند می‌پذیره، کلیسا میگه: "ما اقتدار مسیح رو بر خودمون تصدیق می‌کنیم و اقتدارش رو به عنوان سر کلیسا که قطعاً برتر از هر بخش دیگری در کلیساست، تصدیق می‌کنیم؛ و می‌بینیم که مسیح اقتدارش رو به رسولانش واگذار میکنه و میگه: "هرکه شما را قبول کند، مرا قبول کرده و هرکه شما را رد کند، مرا رد کرده است." این استدلالی بود که ایرنیوس علاقمند بود بر علیه بدعتکاران زمان خودش بکار ببره.

اما وقتی به سؤال تاریخی نگاه می‌کنیم، این جایی هست که به نظرم واضح‌تر میشه، چون وقتی کلیسا فهرست رسمی کتاب‌هایی رو که ما کتب رسمی می‌نامیم، تکمیل می‌کنه، کلیسا در این فرایند از یک اصطلاح لاتین استفاده کرد که به نظرم برای این مبحث خیلی مهمه، و اون اصطلاح رِسیپموس هست، که "ما دریافت می‌کنیم" ترجمه شده.

یعنی در زمان تنظیم کتب رسمی، رسماً و به طور رسمی و کلیسایی، در آن زمان از تاریخ کلیسا، کلیسا خیلی متکبر نبود که ادعا کنه کلیسا کتب رسمی رو به وجود می‌آورد یا اون‌ها اقتدارشون رو از اقتدار کلیسا می‌گرفتند؛ بلکه کلیسا در این مقطع زمانی می‌گفت: "ما این کتاب‌ها رو به

عنوان کتاب‌هایی که از اقتدار الزام آور بر ما برخوردارند، تصدیق می‌کنیم، دریافت می‌کنیم و می‌پذیریم."

مثل اینکه اگه خدا امروز به من ظاهر می‌شد و می‌گفتم: "خُب، من از کجا بدونم که تو خدایی؟" و او به من همون چیزی رو می‌گفت که به موسی گفت: "دست خود را در گریبان خود بگذار." و من این کار رو می‌کردم و بعد بیرون می‌اوردم و دستم مبروص می‌بود؛ او می‌گفت: "خُب، دست خود را باز به گریبان خود بگذار." و بعد شما دستتون رو بیرون می‌آوردید و دیگه مبروص نبود. یا او می‌گفت: "این گچ رو بردار و روی زمین بنداز،" و من این کار رو می‌کنم و اون به مار تبدیل میشه.

و بعد خدا به من می‌گفت: "آیا راضی شدی؟" می‌گفتم: "بله، راضی شدم. تو من رو قانع کردی که خدای قادر مطلق." حالا اگه من به این اعتقاد برگردم و در برابر اقتدار آفرینندم تعظیم کنم، آیا رضایت من از اقتدار او، به نوعی اقتداری رو به او میده که قبلاً اونو نداشت؟ خُب، البته که نه. من فقط این اقتدار رو که قبلاً اونجا بود، تشخیص میدم و در برابرش تعظیم می‌کنم.

و این دقیقاً کاری هست که کلیسا در طول قرون اولیه انجام داد، وقتی به موافقت و مباحثه‌ی رسمی کردن متن کتاب مقدس مشغول بود. پس کلیسا همیشه مطیع اقتدار کتاب مقدسه. این بدین معنا نیست که کلیسا هیچ اقتداری نداره. حکومت ایالتی اقتدار داره، والدین اقتدار دارند، اما این اقتدارها رو خدا واگذار کرده و از اقتدار مطلق کلام خدا برخوردار نیستند. پس هر اقتداری که ما در کلیسا داریم، که باید تا حد ممکن به اون احترام گذاشته و اطاعت کنیم، اقتداری هست که مطیع اقتدار کتاب مقدسه.

حالا، ما به سرعت و به طور مختصر این بخش از مطالعه‌ی خودمون درباره‌ی الهایت نظام‌مند رو مرور کردیم، چیزی که در واقع با آموزه‌ی مکاشفه شروع کردیم و در چند جلسه‌ی آخر به مفهوم کتاب مقدس پرداختیم، و من می‌خواهم درک کنیم که هنوز واقعاً به طور انتزاعی صحبت می‌کنیم.

ما درباره‌ی ماهیت کتاب مقدس، منشأ کتاب مقدس، اقتدار کتاب مقدس، رابطه‌ی اقتدار کتاب مقدسی با اقتدار کلیسایی و همه‌ی این مسائل مربوطه، محدوده‌ی کتب رسمی و غیره صحبت کردیم، اما اگه بخوایم یک مفهوم کاملاً صحیحی رو در ذهنمون درباره‌ی ماهیت کتاب مقدس داشته باشیم، و کاملاً در اعترافمون به اقتدارش و محدوده‌ی کتب رسمی و همه‌ی این چیزهایی که درباره‌ی اون صحبت می‌کردیم، اعتقاد صحیحی داشته باشیم، اما هیچ تسلطی بر محتوای کتاب مقدس نداشته باشیم، چی بدست آوردیم؟

دوباره، کتاب مقدس صرفاً به عنوان یک آموزه‌ی انتزاعی به ما داده نشده، بلکه به عنوان کلام الهی خدا به ما داده شده که برای تعلیم، تبدیل، توبیخ، اصلاح، راهنمایی ما طراحی شده که بتونیم کاملاً تجهیز بشیم تا مردان و زنان خدا بشیم. اما بحران زمان ما صرفاً یک بحران به خاطر این مسأله نیست که آیا کتاب مقدس مصون از خطا یا خطاناپذیر یا الهام شده؛ بحران زمان ما، مربوط به چیزی هست که در داخل اونه.

و حتی در دانشگاه الهیات، زمان زیادی رو صرف مسائل نظری می‌کنیم که اون رو پیشگفتار می‌نامیم، تاریخ، فرهنگ، زبان، و همه‌ی این‌ها که می‌تونیم دانشگاه الهیات رو به پایان برسونیم، بدون اینکه واقعاً محتوای کتاب مقدس رو درک کنیم، چیزی که ما تسلط بر کتاب مقدس انگلیسی می‌نامیم. به عبارت دیگر، من به شما میگم که آیا می‌دونید در کتاب مقدس چی هست؟

حالا، این مجموعه‌ای که اکنون درباره‌ی الهیات نظام‌مند انجام میدیم، بلندپروازانه هست، تا جاییکه این بسیاری از مسائل رو تحت پوشش قرار میده. طولانی‌ترین مجموعه ای که تا به حال انجام دادیم، اسمش مجموعه‌ی "خاک تا جلال" هست، که تلاش برای اشاره به این نکته بود. به نظرم، شور و اشتیاق من برای چیزی خیلی مهمتر از مطالعه‌ی الهیات نظام‌منده، شور و اشتیاق من برای اینکه که قوم خدا در زمان ما محتوای کتاب مقدس رو بشناسند و سعی می‌کنیم در مرور کتاب مقدسی چیزی رو فراهم کنیم که با آفرینش شروع میشه و تا آخر عهدجدید ادامه داره.

تنها مطلبی که قبل از پایان این بخش از الهیات نظام‌مند می‌خوام بگم، اینکه که حتی اگه به محتوا رسیدگی کنیم، یک آموزه‌ی صحیح از ماهیت کتاب مقدس داشته باشیم، هنوز یک سؤال سخت رو داریم که من چطوری می‌تونم یک مفسر کتاب مقدس مسئول باشم؟

می‌دونید، حتی روم با این مجموعه‌ی مصون از خطای کتاب‌ها و تعالیم کتاب مقدس مصون از خطا، همچنان دیر یا زود باید به شما برسه، و شما مصون از خطا نیستید و من مصون از خطا نیستم؛ و در یک مقطعی ممکنه من کتاب مقدس رو تحریف کرده یا تغییر شکل بدم. پس ما باید درباره‌ی اصول مقدماتی تفسیر کتاب مقدسی نیز چیزهایی رو یاد بگیریم؛ من در این دوره اون رو تحت پوشش قرار نمیدم.

ما مطالب کمکی برای شما داریم؛ کتاب من، "شناخت کتاب مقدس"، برای افراد عادی نوشته شده تا اصول اساسی نحوه‌ی تفسیر کتاب مقدس رو به طریقی به شما ارائه کنه که منجر به سوء تفاهم یا تفسیر نادرست یا تغییر شکل دادن کلام خدا نشه. پس با این کلام، اجازه بدید بخش

اول از این مجموعه درباره‌ی مکاشفه و کتاب مقدس رو به پایان برسونم، چیزی که ما رو برای بخش بعدی آماده می‌کنه که به آموزه خدا یا مطالعه‌ی شخصیت خدا می‌پردازیم.